

# مقام عظیم شہادت و بلائیای فی سبیل اللہ

حضرت بہاء اللہ، حضرت عبدالہیاء

اصلی فارسی



لوح رقم (4) امر و خلق - جلد 3

## ۴ - مقام عظیم شہادت و بلائیای فی سبیل اللہ

و نیز از حضرت بہاء اللہ است . قوله الاعتر الامنع : اگر ناس بدیدہ بصیرت ملاحظہ نمایند مشہود شود کہ این محن و بلایا و مشقت و رزایا کہ بر مخلصین و مؤمنین نازل و وارد است عین راحت و حقیقت نعمت است و این راحت و عزت معرضین از حق نفس مشقت و عذاب و زحمت است زیرا کہ نتیجہ و ثمرہ این بلایا راحت کبری و علت وصول برفرف اعلی است و پاداش و اثر این راحت زحمت و مشقت عظمی است و سبب نزول در درک سفلی پس در هیچ وقت و اوان از نزول بلایا و محن محزون نباید بود و از ظہورات قضایا و رزایا مہوم و مغموم نشاید شد .

و قوله جلّ و علا : اشهد یا محبوبی انّ الشہادۃ فی سبیلک کانت امل انبیائک و امنائک قد نطقَ بذلک نقطۃ البیان الذی استشهد فی سبیلک و قال و قوله الحق یا بقیۃ اللہ قد فدیْتُ بکلّ لک و رضیتُ السبّ فی سبیلک و ما تمنّیتُ الاّ القتلَ فی محبتک .

و در لوح رئیس است . قوله الاعتر الارفع : یا لیت یسفک دمائنا علی وجه الارض فی سبیل اللہ و نکون مطروحین علی الثری هذا مرادی و مراد من ارادنی و صعد الی ملکوتی الابدع البدیع .

و قوله جلّ و عز : قسم بآفتاب ملکوت صدق کہ ہر نفسی از دوستان الہی کہ در آن واقعہ شربت شہادت آشامید برفیق اعلی صعود نمود و در ظلّ قباب رحمت الہی ساکن و مستریح گشت اگر آن مقامات بقدر سمّ ابرہ تجلی نماید کلّ بندای یا لیتنی کنتُ معہ ناطق میگردند .



ORIGINAL

و قوله خطاباً للجمال عرّ كلماته و آیاته : اما در تبدیل خواری و مذلت ای جمال این ذلت‌های وارده بر تو لامر الله بوده و این عرّتی است نخر عرّتها لو تعرف لتستأنس مع الذّلة و تقول یا ذلّة روحی لك الفداء این انت قد قبلتک کلّها لربّی العزیز الحمید .

و در مناجاتی قوله الافصح الاعظم الاعلی : و کبر اللهم یا الهی علی مظاهر الشّهاده الذّین أنفقوا ارواحهم و اجسادهم فی هذا الامر الذّی به ظهر الفزع الاکبر و ناح سکّان مدائن الاسماء و بهم ظهر امرک و انتشر ذکرک و لاح ظهورک ایربّ فانزل علیهم ما ینبغی لشأنک و یلیق لحضرتک لانهم عملوا ما کان علیهم و بقی ما کتبتّه علی نفسک لهم . و قوله الاحلی : و من دمائم حملت الارض ببدایع ظهورات قدرتک و جواهر آیات عرّ سلطنتک و سوف تحدّث اخبارها اذا اتت میقاتها .

و در کلمات مکنونه . قوله الحق : فاکتب من مداد الاحمر الذّی سفک فانه احلی عندی عن کلشیئی لیثبت نوره الی الابد .

و در یکی از آثار در حق میرزا علی محمد بن اصدق قوله الاعلی : انشاء الله به کمال تقدیس و تنزیه و ما ینبغی لیوم الله مشاهده شود و بمقام شهادت کبری فائز گردد الیوم خدمت امر از اعظم اعمال است باید نفوس مطمئنه بکمال حکمت به تبلیغ امر الله مشغول شوند تا نفعات قیص رحمانی در جمیع جهات متضوع گردد این شهادت محدود بذبح و انفاق نبوده چه که میشود انسان با نعمت حیات از شهداء در کتاب مالک اسماء ثبت شود طوی لک بما اردت انفاق مالک و منک و عندک فی سبیلی .

و در لوح عدل . قوله الاعرّ : و الذّین استشهدوا فی سبیل الله فی هذه الايام اولئک من اعلی الخلق کانوا ان یدکروا الله جهرةً بحیث ما منعهم کثرة الاعداء عن ذکر الله بارئهم الی ان استشهدوا و کانوا من الفائزین و فی حین ارتقاء ارواحهم استقبلتهم قبائل ملاء الاعلی کلّها برایات الامر کذلک قضی الامر بالحق من لدن مقتدر قدیر .

و از حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا حسن ادیب طالقانی از ایادی امر الله راجع به شهداء یزد سال ۱۳۲۱ است . قوله الحکیم : هو الله ای ایادی امر الله فی الحقیقه در آنچه واقع شده قصوری از نفسی نبوده و کلّ در نهایت خلوص بودند و مقصدی جز جانفشانی در سبیل الهی نداشتند امری باین عظمت لابد چنین طوفانها دارد عزیز مصر بعرض جمال جمیع را گرفتار نمود پس آن دلبر آفاق چون با رُخی افروخته و موئی مشگبار جلوه بیازار نمود البتّه البتّه ولوله و فتنه بیش از یوسف کنعانی در عالم انسانی افکند اگر گاهی هست استغفر الله از معشوق است نه عاشق از محبوب است نه محبّ موافق

زنده دل باید در این ره صد هزار تا کند در هر نفس صد جان نثار

لذا باید بیاد تشنگان جام فدا پر موج بود و بذکر سرمستان صهای فنا پرواز باوج کرد و شب و روز از خدا خواست که نصیبی از آن جام لبریز بریم و برائحه تقدیس عالم امکان را مشکبیز نمائیم عنقریب آیات فدا درین رق منشور آفاق چنان ترتیل گردد که شرق و غرب بحرکت آید زیرا چنین جانفشانی در نهایت مظلومیت تا بحال در عالم انسانی واقع نشد دیگر ملاحظه فرمائید که چه تأثیراتی خواهد بخشید .

و نیز از حضرت عبدالبهاء است . قوله العزیز : هو الله ای بنده بهاء سرهاست که در پای آن دلبر یگنا افتاده و جانها است که در سبیل آن مشعوق حقیقی در میدان وفا فدا گشته این از مقتضای عشق و محبت است و از شروط انجذاب و خلّت . . . مقصود این است که این از مقتضای حضرت عشق است و باید چنین باشد و الا هر خاری دم از عالم گل زند و هر جزئی آهنگ کلّ از حنجر برآرد هر خسیسی خود را شخص نفیس شمرد و هر اسیر طبیعتی خود را مظهر حقیقت داند لهذا امتحان بمیان آید و افتتان رخ بگشاید و صادق از کاذب ممتاز گردد .

و در خطابی دیگر قوله الحکیم : ای یاران روحانی من حقیقت انسانیت بمثابه خاک پاک است که آنچه زخم بیل و کلنگ و شخم بیشتر ببند قوه انبات مزداد شود و گل و ریاحین بیشتر و بهتر رویاند ملاحظه نمائید که مشاهیر آفاق از روحانیین و ربانیین و اشراقیین و حکمای الهی و اعظم بشر و اماجد هر کشور چقدر از عوام کالانعام ضرر دیدند و زجر کشیدند این نظر بحکم ربّ البشر است .

و نیز در لوحی خطاب به ملا علی بجزستانی در سال بعد از وقوع شهادت سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان است . قوله الاتمّ الاکل : یا علی تفکر درنور مشرق از افق صاد نما اکثری از عباد تا حین برشخی از بحر معرفت او اطاع نیافتند او بشهادت کبری فائز شده بود لعمری مضت علیه سنین معدودات و کان فانیا فی مشیة ربه و ارادة مولا بهیج وجه از خود خیالی و اراده و مشیة نداشتند و در کل حین مترصد امر الله بودند و بی‌اذن و اجازه حق در هیچ امری اقدام نمینمودند سالها بود که در ره دوست فدا شده بودند ولیکن در ظاهر میگفتند و میشنیدند و مشی مینمودند این است شهادت کبری و مقام اعلی و رتبه علیا و این مقام بلند ابری به شهادت ظاهره مزین شد لثالی دریای زندگانی را اخذ کرد و در قدوم دوست نثار نمود این است که بذکر اعظم فائز شد و قلم اعلی مدتی بذکرش مشغول اظهارا عمله و مقامه و شأنه و خلوصه یا علی او بدو شهادت فائز شد و اگر تفصیل مقام اول ذکر شود البتّه اکثر ناس متحیر شوند .